

## بررسی سیر تحول و خاستگاه تالارهای ستون‌دار در معماری مساجد چوبی آذربایجان

آزیتا بلالی اسکویی<sup>۱</sup>، حمیدرضا آشتیانی<sup>II</sup>

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.18194.1886

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

(از ص ۲۰۷ تا ۲۲۵)

### چکیده

تالارهای ستون‌دار ریشه‌ای کهن در معماری ایران دارند و در دوره‌های تاریخی مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تالار ستون‌دار به دلیل پاسخ‌گویی برای نیاز به داشتن فضاهای تجمعی و نیز شکوهی که این عنصر از طریق کثرت و ارتفاع ستون‌ها، در فضا می‌آفریند؛ در کاربری‌های رسمی، اجتماعی و کاخ‌های تشریفاتی نمایان شده است. اولین نمونه‌ی آن در تپه حسنلو شناسایی و از دوره‌ی ماد در نوشیجان و گودین، بناهایی با تالار ستون‌دار کشف شده است. این عنصر در دوره‌ی هخامنشی، در ساختار تالار بارعام و تشریفات به کار می‌رود. تالار ستون‌دار بعد از اسلام، ابتدا برای ساخت شبستان، در مساجد اولیه مورد استفاده قرار گرفت؛ اما دیری نپایید که این عنصر، تنها محدود به ساخت خانه‌ها و مساجد نواحی سردسیر و کوهستانی شد. پرسش پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی سیر تحول تالارهای ستون‌دار، این است که خاستگاه تالارهای ستون‌دار در مساجد چوبی آذربایجان در دوره‌ی اسلامی کجا بوده است؟ با آغاز دوره‌ی صفوی، طبق کتیبه‌های موجود، اکثر مساجد این سبک در شهرها و روستاهای آذربایجان، هم‌زمان با حکومت شاه طهماسب اول، ساخته شدند. به دلیل کمبود کاوش‌های باستان‌شناسی و نبود کتیبه‌ی تاریخ ساخت در برخی دیگر از مساجد چوبی آذربایجان و ماندگاری کیم تیرها و ستون‌های چوبی، نمی‌توان در مورد خاستگاه و الگوی اولیه‌ی این مساجد نظر قطعی که مورد پذیرش همگی محققین باشد، مطرح کرد. فرضیه‌ی پژوهش حاضر در مورد تاریخ ساخت تالارهای ستون‌دار در معماری بعد از اسلام در ایران به آغاز دوره‌ی صفوی محدود نمی‌شود؛ بلکه طبق مطالعات انجام‌گرفته، یکی از مشخصات بارز معماری سلجوقی در منطقه‌ی آذربایجان، استفاده از تالارهای ستون‌دار چوبی در ساخت مساجد بومی این منطقه بوده است و ساخت آن در مساجد کشورهای آسیای مرکزی، کشمیر و آناتولی در دوره‌های قبل تر از صفوی تجربه شده است. شیوه‌ی پژوهش در این مقاله، تاریخی-تفسیری می‌باشد. همچنین در مطالعات تطبیقی با دیگر نمونه‌های معماری، از روش بررسی قیاسی نیز بهره گرفته شده است.

**کلیدواژگان:** تالار ستون‌دار، چهل ستون، مسجد چوبی، مراغه، معماری صفوی.

I. دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

II. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

## مقدمه

معماری ایران از عناصر گوناگون تشکیل شده است و هرکدام از آنها طی مسیر تکاملی خود در کاربری‌های مختلف تجربه شده‌اند. تالار ستون‌دار نیز یکی از عناصر مهم معماری ایرانی است که نقش مهمی را در تعریف فضاهای فرهنگی یا اجتماعی و کاخ‌های سلطنتی در طول تاریخ داشته است. معماری هخامنشی، به استفاده از تالار ستون‌دار در آپادانا و تالارهای بارعام و تشریفاتی معروف است. این عنصر در دوره‌های پیش از هخامنشی نیز در ایران، در معماری اورارتو و مادها رواج داشته است. یکی از شاخص‌ترین آثار معماری ستون‌دار پس از اسلام را می‌توان در مساجد چوبی شمال غرب ایران (آذربایجان) مشاهده کرد. طبق کتیبه‌های موجود در برخی مساجد، هم‌زمان با دوره‌ی حکومت شاه‌طهماسب اول صفوی تعداد قابل توجهی مسجد با شبستان‌های ستون‌دار و تزئینات ویژه در اغلب شهرها و روستاهای آذربایجان، به‌ویژه مراغه، بناب، عجب‌شیر و... ساخته می‌شوند؛ اما در نبود مدارک مکتوب و شواهد قطعی باستان‌شناختی نمی‌توان ساخت همه‌ی این مساجد را به آغاز دوره‌ی صفوی نسبت داد. چنان‌که برخی از مساجد ارزشمند دیگر فاقد کتیبه هستند و یا کتیبه‌ی آن‌ها مربوط به تاریخ مرمتشان هست.

**پرسش‌ها و فرضیه‌ی پژوهش:** پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱. سیر تحول تالارهای ستون‌دار در طی دوره‌های مختلف چگونه بوده است؟ ۲. خاستگاه تالارهای ستون‌دار، در معماری مساجد چوبی آذربایجان کجا بوده است؟

فرضیه‌ی پژوهش حاضر در مورد تاریخ ساخت تالارهای ستون‌دار در معماری بعد از اسلام در ایران به آغاز دوره‌ی صفوی محدود نمی‌شود، بلکه طبق مطالعات انجام‌گرفته، یکی از مشخصات بارز معماری سلجوقی در منطقه‌ی آذربایجان، استفاده از تالارهای ستون‌دار چوبی در ساخت مساجد بومی این منطقه بوده است و ساخت آن در مساجد کشورهای آسیای مرکزی، کشمیر و آناتولی در دوره‌های قبل‌تر از صفوی تجربه شده است. این عنصر معماری طی سال‌ها حفظ و تجربه، با شروع دوره‌ی صفوی، در معماری مساجد آذربایجان رونقی دوچندان پیدا می‌کند و حدود صدسال بعد در کاخ‌های سلطنتی پادشاهان مورد تقلید قرار می‌گیرد. مقاله‌ی حاضر در نظر دارد با پاسخ به مسائلی که ذکر شد، به روشن‌سازی ابهامات در خصوص سیر تحول و خاستگاه استفاده از تالارهای ستون‌دار در مساجد آذربایجان بپردازد.

**روش پژوهش:** در انجام این پژوهش، از روش تاریخی-تفسیری استفاده شده، و در مرحله‌ی مطالعه‌ی تطبیقی با دیگر نمونه‌های معماری از بررسی قیاسی بهره گرفته شده است.

## پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات در مورد تالارهای ستون‌دار را می‌توان در منابع مختلف به‌دست آورد؛ منابعی که هر یک از آن‌ها به طریقی، در مورد خاستگاه‌ها، معماری، تزئینات، کاربری‌ها و سازمان فضایی تالارهای ستون‌دار در معماری ایران و دیگر کشورهای هم‌جوار در دوران تاریخی مختلف، اظهار نظر کرده‌اند. از مهم‌ترین این مطالعات می‌توان به

موارد ذیل اشاره کرد.

در مورد تالارهای ستون‌دار قبل از اسلام می‌توان به پژوهش‌های باستان‌شناسی «کایلر یانگ» (۱۹۹۴؛ ۱۹۶۶) و «رابرت هنری دایسون» (۲۰۰۳؛ ۱۹۸۹) اشاره کرد. کایلر یانگ در مقاله‌ی «تحولات معماری غرب ایران در عصر آهن» توانست بخشی از خلأ موجود میان ویرانی‌های تالار ستون‌دار حسنلو و پاسارگاد را با کشف تالارهای ستون‌دار گودین‌تپه و نوشیجان در کاوش‌های خود، پُر کند.

درباره‌ی مساجد چوبی آذربایجان، «پرویز ورجاوند» (۱۳۵۴؛ ۱۳۵۵) مطالبی را در مورد چهل ستون‌های باشکوه مساجد چوبی مراغه و بناب در اوایل معماری صفوی و شباهت ستون‌ها و سرستون‌های مقرنس چوبی آن‌ها با بارگاه‌های اصفهان بیان کرده و احتمال وجود مساجد ستون‌دار چوبی قبل از صفوی و الگو برداری کاخ‌های صفوی از مساجد چوبی آذربایجان را مطرح کرده است. «سیروس خیری» (۱۳۸۵) در دو جلد کتاب معماری و تزئینات ستون‌دهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان به بررسی و تحلیل اجمالی هنر و معماری و تزئینات مساجد ستون‌دار چوبی شهرهای مراغه، بناب، عجب‌شیر و دیگر شهرهای اطراف پرداخته است. «ناهید دهقان» (۱۳۸۹) نیز در کتاب «نگاره‌های چوبی مساجد آذربایجان شرقی» نمونه‌هایی از مساجد چوبی آذربایجان شرقی را به همراه تاریخچه، تصاویر و مدارک دو بُعدی، معرفی کرده است؛ همچنین پژوهش‌هایی نیز درباره‌ی خاستگاه استفاده از تالار ستون‌دار در کاخ‌های صفوی نیز صورت گرفته، از جمله «سوسن بابایی» در مورد خاستگاه پیدایش تالار ستون‌دار صفوی احتمال انتقال ایده برپاداشتن تالارهای چوبی ستون‌دار از مازندران و مناطق حاشیه خزر به دارالسلطنه‌ی اصفهان را معرفی کرده است (Babaie, 2008:169-181; Babaei, 1994: 260-269). «ابا گُخ» مورخ تاریخ هنر هند در پژوهش‌هایی در مورد بارگاه‌های چوبی ستون‌دار در دوره‌ی حکومت شاه جهان، پادشاه گورکانی در سده‌ی یازدهم هجری قمری انجام داده است و بحث انتقال ایده‌ی ساخت بارگاه چوبی ستون‌دار از هند به اصفهان صفوی را مطرح کرده است (Koch, 2013; 2011; 1994). شباهت ایوان ستون‌دار چهل ستون اصفهان و نحوه‌ی استقرار مراتب مختلف بارخواهان و درباریان بر صدفه‌های ایجاد شده بر کف آن با ایوان مدائن و توصیفات فردوسی از نحوه‌ی استقرار درباریان و بارخواهان در این بارگاه شهر ساسانی، نیز از نکات مطرح شده در مورد این ساختارها است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱). نوشتار حاضر به مطالعه‌ی سیر تحول، ریشه‌ها و خاستگاه استفاده از تالار ستون‌دار در مساجد چوبی آذربایجان پرداخته است.

### تالارهای ستون‌دار قبل از اسلام

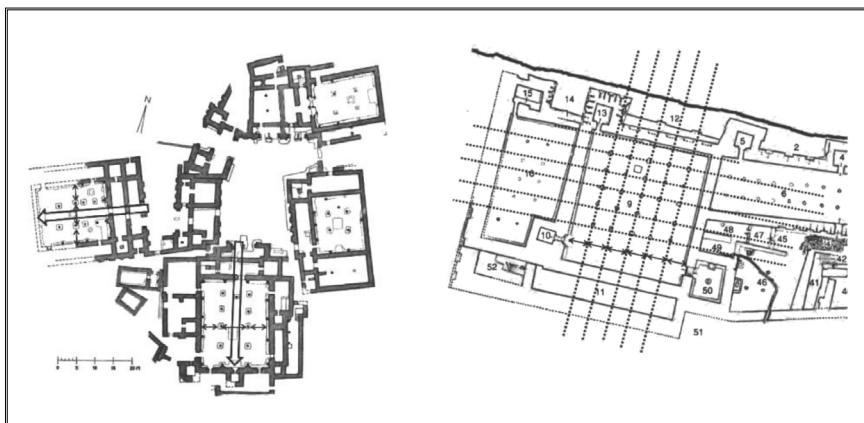
با شروع عصر آهن (۱۵۰۰-۵۵۰ ق. م.) در شمال غرب ایران تغییر و تحولات مهمی به وقوع می‌پیوندد که یکی از مهم‌ترین آن شکل‌گیری تالارهای ستون‌دار می‌باشد. به نظر می‌رسد نیاز به وجود یک مکان بزرگ جهت انجام مراسم دینی، آئینی باعث ایجاد این سبک معماری شده است. تالارهای ستون‌دار شکل‌گرفته در شمال غرب ایران با توجه به ارتباطات فرهنگی که در اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد وجود داشته

جدول ۱. شماری از بناهای دارای تالار ستون‌دار قبل از اسلام (صفری، ۱۳۹۳).

نام بنا	منبع
تپه حسنلو	(Dayson, 1989: 108)
باباجان تپه	(Goff, 1969: 110)
نوشیجان تپه	(Stronach, 1978: 25)
گودین تپه	(Gopnik, 2005: 197)
ازبکی	(Degirmencioglu, 2012: 131)
بسطام	(کلایس، ۱۳۶۷: ۹۸)
کرنکس داغ (آناطولی)	(Summers, 2007: 257)
آلتین تپه (آناطولی)	(Karamanoglu, 2009: 358)
آرماویریلور (ارمنستان)	(TerMartirossov, 2001: 158)
پاسارگاد	(استروناخ، ۱۳۷۹: ۸۶)
شوش	(کیانی، ۱۳۶۵: ۲۷)
تخت جمشید	(Schmidt, 1939: 70)
نوشه‌پیر (آناطولی)	(Yenipinar, 2005: 21)
قربان تپه (گرجستان)	(Knauss, Gagoshidze & Babaev, 2013: 11)

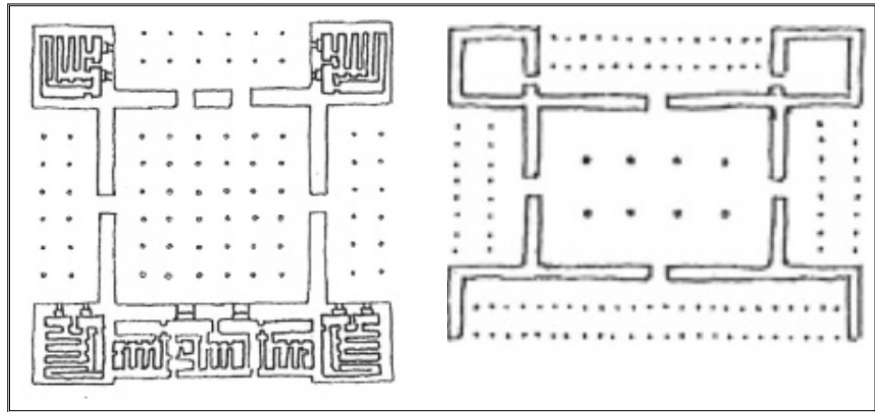
است، معماری غرب ایران را متأثر ساخت. اولین نمونه‌ی تالار ستون‌دار ایران در تپه حسنلو (۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق.م.) مشاهده می‌شود؛ نمونه‌های دیگر در جدول ۱، ذکر شده است. روند تحول تالارهای ستون‌دار به خوبی نشانگر آن است که مسئله‌ی پوشش فضای خالی میان ستون‌ها دغدغه‌ی اصلی بسیاری از سازندگان عهد باستان بوده و از این رو تنها در کاربری‌های خاص فرهنگی یا اجتماعی این الگو مورد استفاده قرار می‌گرفت (Gopnik, 2010: 196).

دو الگوی متمایز در ترکیب بناهای ذکر شده وجود دارد، به این صورت که در عمارت‌های حسنلو، دو ردیف ستون به گونه‌ای استقرار یافته‌اند که زمینه را برای تأکید و تمرکز بر راهروی میانی که عرضی بیشتر از راهروهای کناری دارد و اجاق و تختگاه نیز در امتداد آن واقع‌اند، فراهم می‌کند؛ اما در اکثر تالارهای بعدی مانند نوشیجان و گودین تپه، چنین تمرکزی وجود ندارد (همان). سازماندهی تعداد بیشتری ستون در ردیف‌هایی با فواصل مساوی، بر کثرت، تعدد و ارتفاع ستون‌ها تأکید و تصور ساختاری بی‌انتها را ایجاد کرده است (تصویر ۱). بعدها هخامنشیان از الگوی سازماندهی دوم (مشابه گودین تپه) با ترکیب ایوان‌های ستون‌دار در جهت تأکید بر وسعت قلمرو و نمایش قدرت، استفاده نمودند. هخامنشیان این سبک را به شکل آپادانا<sup>۳</sup> توسعه می‌دهند (Kleiss, 2008). چهل ستون‌ها و آپاداناهای شکوهمند دوره‌ی هخامنشی در پی سبک رایج در دوره‌ی مادها بنیان گرفت (ورچاوند، ۱۳۵۴: ۱). ایوان ستون‌دار در شکل‌گیری سبک معماری هخامنشی نقش مهمی ایفا کرده؛ به طوری که ایوان متصل به تالار ستون‌دار به ویژگی بارز معماری هخامنشی تبدیل شده است. ایوان به صورت تکامل یافته و متنوع در بناهای این دوره مورد استفاده‌ی گسترده قرار گرفت (رضائی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۲۹). قبل‌تر از آن، استفاده از ایوان ستون‌دار در محوطه‌ی حسنلو (تصویر ۱، بالا) در سده‌های نهم تا یازدهم قبل از میلاد دیده شده است. «رابرت هنری دایسون» معتقد است تالارهای حسنلو در لایه‌ی IV بازسازی شده‌اند و یکی از تغییرات مهم این مرحله، اضافه شدن ایوان به تالارهای ستون‌دار بود. این ایوان‌ها در نمای ساختمان سوخته‌ی II، ساختمان سوخته‌ی IV، ساختمان سوخته‌ی IV شرقی و ساختمان سوخته‌ی III الحاق شده است (Dyson, 1989: 116). به نظر کایلر یانگ، اضافه شدن ایوان‌های



تصویر ۱. چپ: تأکید بر محور مرکزی در عمارت‌های ستون‌دار طبقه‌ی چهارم حسنلو (Novak, 2004: 364)؛ راست: شبکه‌ای از ستون‌های متعدد با دهانه‌ی مساوی در عمارت ستون‌دار گودین تپه (Gopnik, 2010: 197).

ستون‌دار در تالارهای پاسارگاد به دلیل واقع شدن آن‌ها در باغ سلطنتی است (یانگ، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۵). این امر موجب اشراف بنا بر فضای باز اطراف نیز می‌شود (تصویر ۲). جدول ۲، سیر تحول تالارهای ستون‌دار را در دوره‌ی قبل از اسلام جمع‌بندی کرده است.



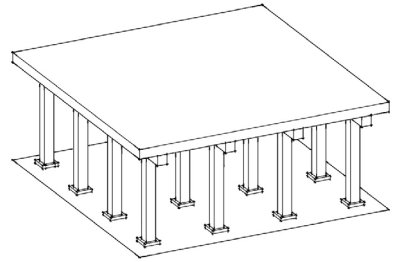
► تصویر ۲. سمت چپ: کاخ آپادانای تخت‌جمشید؛ سمت راست: کاخ بارعام کوروش، ترکیب ایوان ستون‌دار با تالار ستون‌دار (Kleiss, 2008).

► جدول ۲. سیر تحول تالارهای ستون‌دار قبل از اسلام (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دوره	ساختارهای شکلی	نحوه‌ی کاربرد	کاربری	ساخت‌مایه	شماری از نمونه‌ها	توضیحات
عصر آهن		- تالار ستون‌دار در فضای بسته یا ورودی منفرد	- معبد - اجتماعی یا فرهنگی - رسمی و غیرشخصی	- ستون چوبی، پایه‌ستون سنگی	- تپه حسنلو - نوشیجان تپه - گودین تپه	- تالار ستون‌دار محصور در فضای بسته با دو الگوی متمایز تأکید بر محور و تأکید بر کثرت و شکوه ستون‌ها
هخامنشیان		- تالار ستون‌دار ایوان ستون‌دار (ستون آوند) متصل به تالار با ورودی‌های متعدد	- کاخ سلطنتی و تالار بارعام و تشریفات	- ستون و پایه‌ستون و سرستون سنگی	- پاسارگاد - شوش - تخت جمشید	- تکامل ایوان ستون‌دار متصل به تالار ستون‌دار

### تالارهای ستون‌دار بعد از اسلام

با وجود بسط قلمرو اسلام و فتوحات مسلمین در اقصی نقاط ایران تا مدت‌ها هنر معماری هم‌چنان بر عناصر گذشته متکی بود (کیانی، ۱۳۹۳: ۳۹). مساجد



▲ تصویر ۳. شکل کلی یک شبستان با پوشش تخت که این نوع پوشش دست‌کم از تالارهای تخت جمشید پیشینه دارد؛ همانند مسجدهای پزدله ابیانه، ترضجان و نبادک یزد، ملارستم و معزالدین مراغه، مهرآباد و گزانش و کبود بناب، میان‌دوآب و خوانسار (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۹۲ و ۲۹۳). (طرح ترسیمی حجت و ملکی).

مهم‌ترین بناهای معماری ایران پس از اسلام هستند. شاخص‌ترین و پیشرفته‌ترین بناهای هر دوره از معماری ایران پس از اسلام را می‌توان در مساجد پیدا کرد. برپایه‌ی گزارش‌ها، در آغاز از ساختمان‌های برجای مانده‌ی معماری ایرانی برای برپایی مسجد بهره‌گیری شد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۵۵). شبستان ستون‌دار ایرانی نیز مدتی دستمایه‌ی ساخت برخی مساجد نخستین شد (جدول ۳). مسجد بصره، این شهر باستانی در دل ایرانشهر ساسانی<sup>۴</sup> (محمدی، ۱۳۷۹: ۳۹۹)، با الهام از شکوه ویرانه‌های ساسانی، نشانه‌ای از سلطه‌ی حکومت مرکزی بر قبایل سرکش عرب شد (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۸). مسجد کوفه در سرزمین بهقبادات<sup>۵</sup> پنج سال پس از آن بازسازی شد و به روایت «طبری»، سرمعمار غیرمسلمان آن که پیش‌تر برای آخرین شاه ساسانی نیز کارکرده بود (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۹)؛ سرستون‌هایی به‌شیوه‌ی تخت جمشید در آن به‌کار برد (هیلن‌برند، ۱۳۸۷: ۶۸).

از سوی دیگر، کوفه و بصره سرشار از پارسی‌زبانان بود (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۳). پس ساخت مساجد ستون‌دار و تیرپوش در این شهر نه رویدادی اتفاقی، بلکه به‌باور «تالبوت رایس» (۱۳۷۵: ۲۵) با طرحی ایرانی است (تصویر ۳). این سبک در سده‌های پسین به نواحی سردسیر و کوهستانی محدود شد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۹۲) و سرنوشتی همانند معماری تخت جمشید داشت که در تمام ایران رواج نیافت؛ به‌طور مثال مسجد جامع اصفهان، ابتدا دارای سقف تخت تیرپوش بود (گالدیری، ۱۳۵۵: ۴۴) که در سده‌های بعد تغییر کرد.

بر پایه‌ی تجربه‌های پیشین نیاکان، طاق گهواره‌ای به‌گونه‌ای شایسته در ساختمان شبستان مسجد به‌کار رفت (آزاد، ۱۳۸۴: ۴۰۴-۴۱۴). در بسیاری از مناطق ایران ساختمانی‌ای جز خشت و گل نبود و ستون‌های چوبی و سنگی و سقف‌های تخت و تیرپوش تجربه‌شده در مساجد ستون‌دار به‌علت ماندگاری کم از میان رفتند؛ اما در شهرهای سردسیر، به‌دلیل شرایط اقلیمی و وجود داده‌های طبیعی نظیر چوب، سنگ و خاک رُس، سادگی شیوه‌ی کار، نیاز اندک به زمان، باصرفه بودن و سرمایه و دانش فنی لازم جهت احداث بنا، بیشتر مسجدها با ستون‌ها و دیرک‌های چوبین و پوشش تخت بنیان شده است (خیری، ۱۳۸۵: ۴۸).

### مساجد ستون‌دار چوبی آذربایجان

یکی از شاخص‌ترین آثار به‌جای مانده از معماری ستون‌دار پس از اسلام را می‌توان در مساجد چوبی مراغه و دیگر شهرهای آذربایجان مشاهده کرد (تصویر ۴).

شاخصه‌های بزرگ مساجد مراغه، ستون‌ها و سقف‌های چوبی آن می‌باشد که یکی از جالب‌ترین سبک‌های معماری پا گرفته در غرب ایران پس از اسلام است. این شیوه در دوران شکوفایی معماری عهد صفویه در اصفهان مورد تقلید قرار می‌گیرد و شاهکارهای ارزنده‌ای چون عالی‌قاپو و چهل‌ستون را به‌وجود می‌آورد (ورجوند، ۱۳۵۴: ۱۳). طبق کتیبه‌های موجود، بیشتر مساجد این سبک در زمان حکومت شاه طهماسب اول، از اولین پادشاهان صفویه شکل گرفت؛ اما خلق این آثار به آغاز دوره‌ی صفویه مربوط نمی‌شود و باید پیش از آن نیز وجود داشته باشد، زیرا

جدول ۳. شماری از نخستین مساجد ستون‌دار و تیرپوش (حجت و ملکی ۱۳۹۱: ۹).

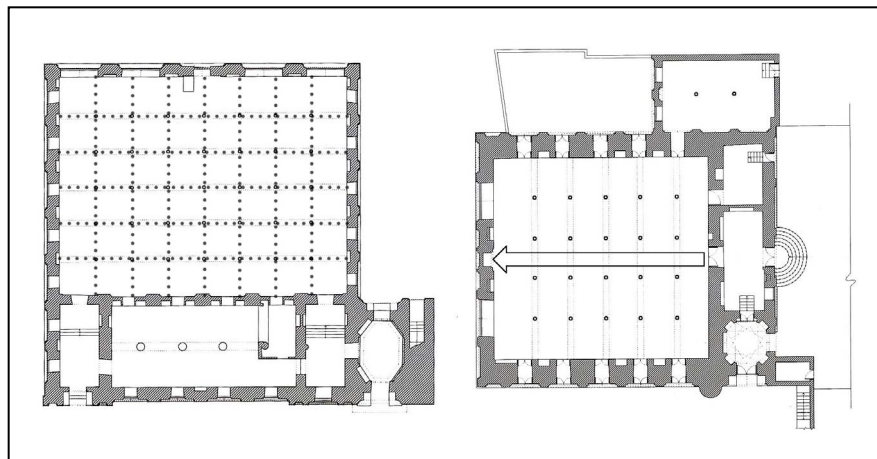
نام مسجد	منبع
مسجد بصره	(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۸)
مسجد کوفه	(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۹) به نقل از این جیب در قرن ششم
مسجد جامع نیشابور	(شرودر، ۱۳۸۷: ۱۱۵۸) به نقل از ابوعلی علوی
نخستین مسجد جامع اصفهان	(گالدیری، ۱۳۵۵: ۴۴)



► تصویر ۴. شبستان مسجد ملارستم مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

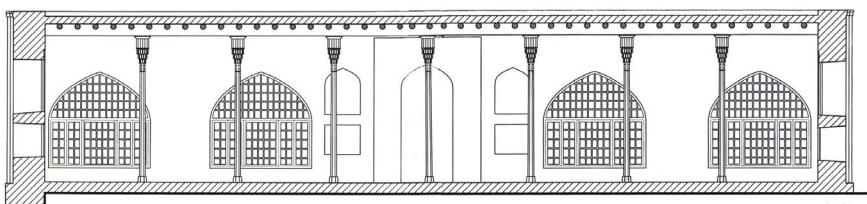
مهارت و هنرمندی که در بنای این آثار به‌کار رفته است، نمی‌تواند محصول کار جامعه‌ای بدون داشتن تجربه‌ی پیش‌تر در این مایه و زمینه باشد. این مهارت و هنرمندی در نحوه‌ی دقیق تیرریزی و کارهای درودگری از یک سو، و تزئینات مربوط به سرستون‌ها و زیر سقف از سوی دیگر، به خوبی مشهود است (همان: ۱۴).

مساجد ستون‌دار چوبی آذربایجان در ابعاد مختلف با شبستان‌های مستطیلی‌شکل ساخته شده‌اند و الگوهای متنوعی در ترکیب و هم‌چنین تعداد ستون آن‌ها وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی از آن، مانند مسجد مهرآباد بناب، ردیف ستون‌ها در جهت تقویت محور قبله و محراب استقرار یافته‌اند و برعکس در بعضی دیگر از مساجد، هم‌چون ملارستم مراغه سازماندهی ستون‌ها با فواصل مساوی به‌گونه‌ای است که ردیف ستون‌ها دقیقاً در راستای محور قبله قرار گرفته است و این بار کثرت ستون‌ها و ساختار فضایی بی‌انتها با مضامین عرفانی و اسلامی ترکیب شده است (تصویر ۵). هم‌چنین در مساجد کوچک محله‌ای از تعداد سه ستون نیز استفاده شده است.



► تصویر ۵. نحوه‌ی استقرار ستون در مساجد چوبی آذربایجان؛ راست: مسجد مهرآباد بناب. چپ: مسجد ملارستم مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

این مساجد فاقد گنبد، مناره، ورودی و ایوان شاخص و حیاط هستند و محراب آن‌ها بسیار ساده کار شده است. به‌طور کلی، می‌توان گفت در این مساجد، برخلاف سبک رایج مسجد در ایران، معمار، تنها با استفاده از عنصر ستون و تزئینات نقاشی رنگارنگ گل‌بوته‌های اسلیمی و ختایی و خوشنویسی بر روی سرستون‌های مقرنس، تیرها و پردوهای سقف، فضای معنوی مسجد را باشکوه و زیبایی هرچه تمام در معماری داخلی آن تعریف کرده (تصاویر ۶ و ۷) و این نشان از تکامل تالار ستون‌دار در طول تاریخ و نحوه‌ی صحیح بهره‌گیری از آن در کاربری مذهبی به‌عنوان مسجد، بعد از دوره‌ی اسلامی است. شماری از مهم‌ترین مساجد ستون‌دار آذربایجان در ادامه معرفی شده است (جدول ۴)، (تصویر ۸).



تصویر ۶. برش مسجد ملارستم مراغه (دهقان، ۱۳۸۹).



تصویر ۷. تزئینات نقاشی و خوشنویسی، مسجد جامع عجب‌شیر (دهقان، ۱۳۸۹).

### تأملی بر نمونه‌های معماری مشابه

سنت گسترده‌ی معماری چوبی در مساجد، توسط کشورهای آسیای مرکزی، کشمیر، شمال غربی ایران و آناتولی سلجوقی ساخته شده‌اند. قدیمی‌ترین مسجد ستون‌دار چوبی شناخته شده، مسجد جامع «خیوه» در ازبکستان است که ستون‌های خود را از دوره‌های مختلف از قرن نهم میلادی و پیش از آن حفظ کرده است (Koch, 2013: 376). در مرکز و شرق آناتولی که قلب قلمرو سلجوقیان روم محسوب می‌شد، سنن سلجوقی عمیق‌تر بود و سبک سلجوقی در دوره‌ی ملوک الطوایفی ادامه یافت و ساخت مساجدی با ستون‌های چوبی که مشخصه‌ی عهد سلجوقی بود، ادامه پیدا کرد. مسجد بایشهر که در ۱۲۹۹ م. ۶۹۹/۰ ه.ق. به دست «اشرف



تصویر ۸. شهرهای دارای مساجد ستون‌دار آذربایجان (نگارنگان، ۱۳۹۸).

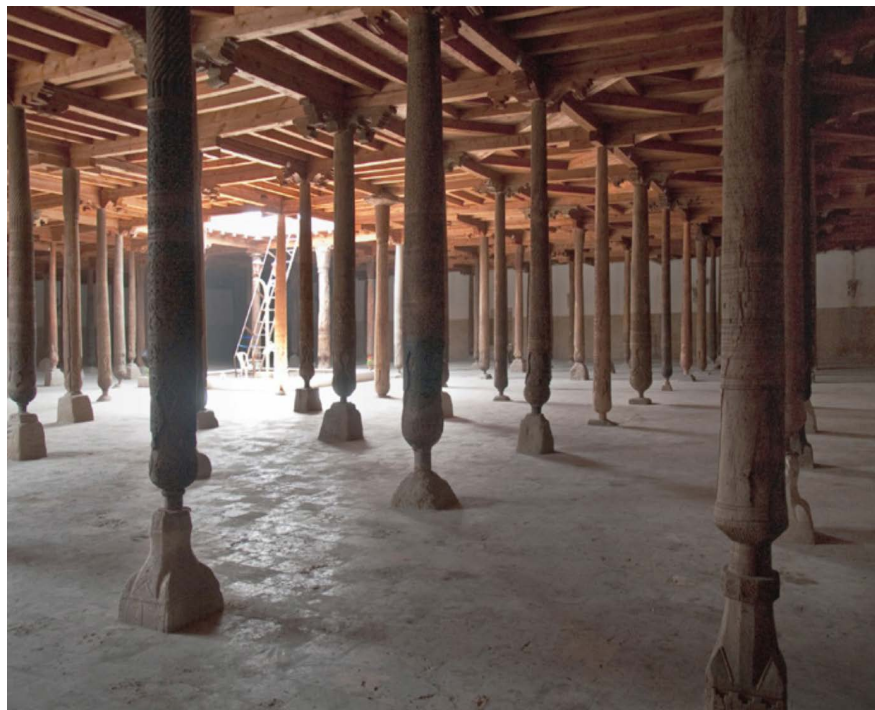


جدول ۴. شماری از مهم‌ترین مساجد ستون‌دار آذربایجان (خیری، ۱۳۸۵). ▼

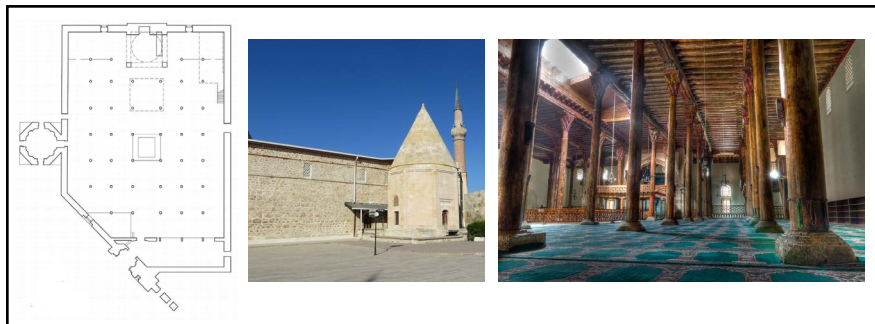
نام مسجد	
مسجد ملارستم	مغان
مسجد ملامعزالدین	
مسجد جامع	
مسجد ضریب	
مسجد مهرآباد	باب
مسجد اسماعیل بیگ	
مسجد زرگران	
شیرلی مسجد (مسجد جامع)	عجب‌شیر
مسجد محراب	آذرشهر
مسجد و عمارت چهارسو	
مسجد حاج ملاعلی	اسکو
یازیلی مسجد	خسروشهر

اوغلو سلیمان بک» ساخته شد، بزرگ‌ترین و اصیل‌ترین نمونه از این نوع به شمار می‌رود (تصویر ۱۰)، (بلرو و بلوم، ۱۳۸۱: ۳۴۲).

«فخرالدین علی (صاحب عطا)»، یکی از وزیران مهم سلجوقی برای مغول، اولین کسی بود که مساجد چوبی چهل‌ستونی را به آناتولی بعد از حمله‌ی مغول، معرفی کرد (Hayes, 2010: 4). در ادامه موقعیت مکانی و اسامی شماری از مساجد اولیه‌ی ستون‌دار چوبی آناتولی معرفی شده است (جدول ۵)، (تصویر ۱۱).



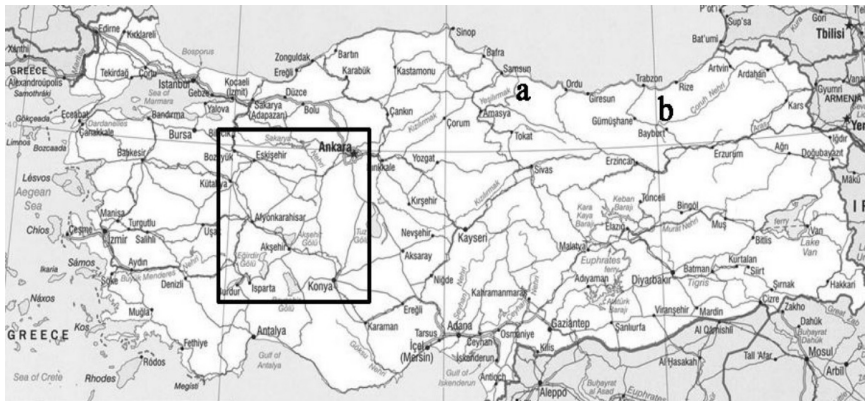
► تصویر ۹. مسجد جامع خیوه، ازبکستان (Ebba Koch, 2013).



► تصویر ۱۰. مسجد اشرف اوغلو (Hayes, 2010).

► جدول ۵. شماری از مساجد اولیه‌ی ستون‌دار چوبی در آناتولی (Hayes, 2010).

نام مسجد	منبع
مسجد صاحب عطا	(Hayes, 2010:52)
مسجد آفیون کاراحیسار	(Hayes, 2010:83)
مسجد سیوری حیسار	(Hayes, 2010:83)
مسجد اشرف اوغلو	(Hayes, 2010:163)
مسجد آهی شرف‌الدین	(Hayes, 2010:126)
Gokceli & Sey Habil Camiis, Carsamba	(Hayes, 2010:44)
Tugrul Bey Camii, Ispir	(Hayes, 2010:44)

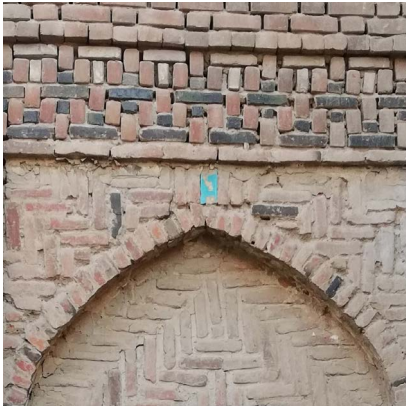


تصویر ۱۱. موقعیت مکانی مساجد اولیه ی ستون‌دار چوبی آناتولی (Hayes, 2010). ◀

نوع متداول ستون‌ها در مساجد چوبی شمال غرب ایران (آذربایجان) و آناتولی سلجوقی، عمدتاً دارای سرستون‌های مقرنسی هستند. به‌طورکلی، وجه تشابه مساجد آناتولی با مساجد چوبی آذربایجان را علاوه بر سرستون‌های مقرنس، می‌توان در سقف چوبی، صندوقچه‌های با تزئینات غالباً ترنجی و نقاشی روی چوب و موارد دیگر نام برد.

بین شمال غربی ایران و ناحیه‌ی عظیم سمت شمال و مغرب همیشه روابط مستحکم وجود داشت. از ادوار اولیه، قوسی که از سوریه آغاز و از آسیای صغیر به داخل ختم می‌شود، مرکز سنگ‌تراشی بوده و استادی و هنرمندی در این فن همیشه از خصوصیات این ناحیه به‌شمار می‌رفته است. دامنه‌ی روابط مستقیم در کتیبه‌های موجود این دوره و نام صنعت‌کاران ایرانی مقیم آسیای صغیر بر آن‌ها منقوش شده، منعکس است؛ از جمله می‌دانیم که «حسن بن پیروز مراغه‌ای» در سال ۱۱۸۰-۱۱۸۱ م. در دورک کار می‌کرده، «احمد بن ابوبکر مرندی» در ۱۲۲۰ م. در توکات و سیواس، «محمد بن محمود ارانی» در ۱۲۳۷-۱۲۴۷ م. در آماسیه، و «محمد بن محمد بن عثمان طوسی» در ۱۲۴۳ م. در قونیه کار می‌کرده‌اند؛ و به‌آسانی می‌توان باور کرد که در مقابل نام هر یک ایرانی که بر حسب تصادف باقی مانده، ده‌ها شخص دیگر در آن ناحیه کار می‌کرده‌اند که نامی از ایشان نیست. خیلی از افراد قبل از حمله‌ی مغول از ایران فرار کرده و به تکمیل فنونی که بعداً در احیای نهضت ساختمانی در ایران مورد استفاده واقع شد، کمک کرده باشند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۹۵).

تجدید حیات معماری که در زمان سلطنت «هولاکو» آغاز شد، به تدریج و به‌سختی صورت گرفت و از زمان ساختمان آخرین ابنیه‌ی بزرگ تا این زمان، تقریباً دو نسل از طراحان و استادکاران بی‌کار مانده بودند؛ ولی بناهایی که به‌زودی ساخته شد از نظر طرح و نقشه و جزئیات تزئینی جانشین بلافصل ساختمان‌های قرن سیزدهم ایران بود. احتمال دارد که انتقال موروثی فنون پیشه‌وران در حلقه‌ی خانوادگی آن‌ها، در طول این فاصله‌ی زمانی مهارت و استعداد آنان را حفظ کرده است و نیز ممکن است که فنون مختلف معماری و ساختمانی در آسیای صغیر پرورش یافته و استادکاران ایرانی که به آن نقاط رفته بودند و نام آنان بر ساختمان‌های آسیای صغیر ثبت است، همین‌که اوضاع رو به آرامش رفت و مساعد شد، به تدریج به موطن خود مراجعت کرده باشند (همان: ۱۱).



در میان پژوهش‌هایی که در مورد مساجد ستون‌دار مراغه و شهرهای اطراف آن صورت گرفته، تاریخ ساخت مساجد با توجه به وجود کتیبه‌هایی که در برخی از بناها موجود است، اوایل دوره‌ی صفوی و حکومت شاه طهماسب اول ذکر شده، اما در مورد برخی دیگر از مساجد ارزشمند از جمله: «ملارستم»<sup>۷</sup>، «قاضی»<sup>۸</sup> و «ملا معزالدین»<sup>۹</sup> که یا کتیبه ندارند و یا در صورت وجود، کتیبه مربوط به سال احیا و مرمت آنهاست؛ این ابهام وجود دارد که تاریخ ساخت آنها مربوط به دوره‌های قبل تر باشد. با توجه به سبک تزئینات آجری طاق نماها در جداره‌ی بیرونی مساجد و وجود آجرهای لعاب‌دار فیروزه‌ای‌رنگ در انتهای قوس جناغی که در دوره‌ی ایلخانی متداول بوده است (دهقان، ۱۳۸۹: ۱۳۸)، (تصویر ۱۲)؛ و هم‌چنین ساخت مساجد ستون‌دار چوبی با سرستون‌های مقرنس مشابه مساجد مراغه و بناب و... در سرزمین آناتولی (تصاویر ۱۳ و ۱۴) در سال‌های اولیه بعد از حمله‌ی مغول و حفظ فنون معماری توسط معماران ایرانی که در حمله‌ی مغول، به آسیای صغیر گریخته بودند، این احتمال وجود دارد که پیشینه‌ی ساخت این مساجد مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی و حتی قبل‌تر از آن، در آذربایجان و به‌ویژه شهر مراغه که از پایتخت‌های مهم ایلخانی بوده، مربوط می‌شود و در دوره‌ی صفویه ساخت آن رونق بیشتری پیدا می‌کند و به اوج شکوفایی و تکامل می‌رسد. فراوانی تنوع سرستون‌های مساجد آذربایجان گواهی دیگر بر تکامل تدریجی آنها در دوران تاریخی مختلف است.

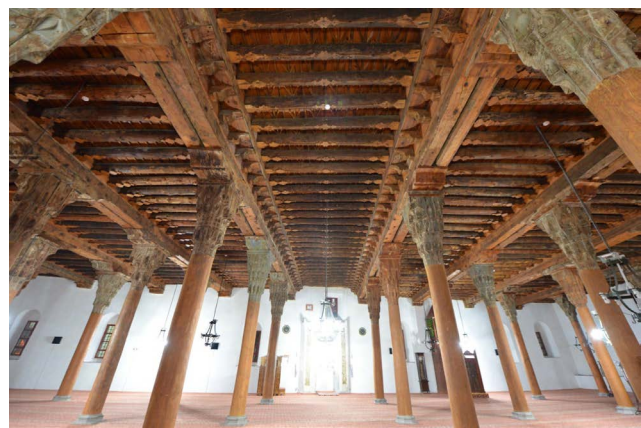
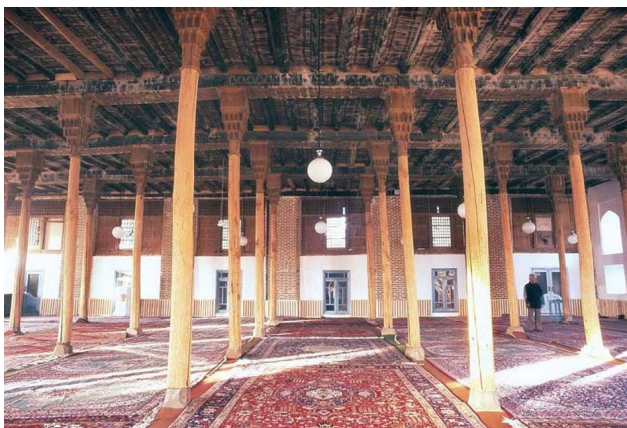
### مکاتب و ارتباطات محلی در معماری ایلخانی

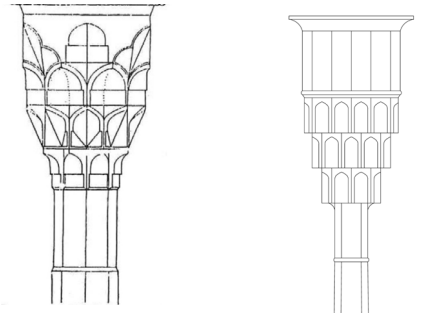
▲ تصویر ۱۲. تزئینات آجری طاق‌نما و قوس جناغی منتهی به آجر لعاب‌دار فیروزه‌ای؛ بالا: مسجد قاضی مراغه. پایین: مسجد ملارستم مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

**مکتب آذربایجان:** معماری دوره‌ی ایلخانی هم‌جنبه‌ی جهانی و امپراتوری، و هم‌جنبه‌ی محلی داشت. در یزد و ناحیه‌ی آذربایجان، تنوعات محلی کاملاً آشکار است و می‌توان گفت که این نواحی سبک محلی مخصوص به خود داشتند. در دوره‌ی ایلخانی نفوذ خارجی در قسمت معماری زیاد نبود؛ در کنده‌کاری و تراش تأثیر آسیای صغیر در آذربایجان بیشتر مشهود است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۵).

تصویر ۱۳. فضای داخلی مسجد؛ چپ: مسجد ملارستم مراغه. راست: مسجد آفیون کاراحیسار آناتولی (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

قدرت سیاسی و نفوذ ایلخانان در ایالت آذربایجان متمرکز بود و پایتخت‌های متوالی آن سلسله، یعنی مراغه، تبریز و سلطانیه، همه در داخل مرزهای آن ایالت بسط داشت و آن ناحیه‌ی وسیع شامل ناحیه‌ی قفقاز، بین دریای خزر و دریای سیاه



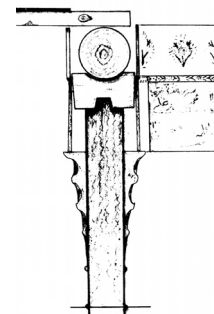
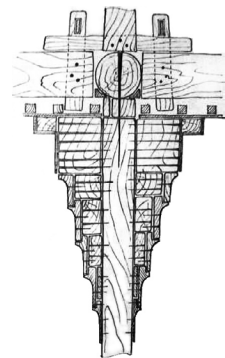


▲ تصویر ۱۴. سرستون مقرنس؛ راست: مسجد ملارستم مراغه. چپ: مسجد آفیون کاراحیسار آناتولی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

تصویر ۱۵. راست: سرستون مقرنسی مسجد زرگران بناب. چپ: سرستون مقرنسی عالی قاپو اصفهان (نگارندگان، ۱۳۹۸). ◀

و گرجستان و ارمنستان و آسیای صغیر تا قونیه، نزدیک مدیترانه، می‌گردید. آسیای صغیر تحت تسلط شاهزادگان سلجوقی که اولاد مستقیم یکی از سرداران «سلطان ملک‌شاه» سلجوقی بودند، قرار داشت (همان: ۹۵).

هنوز نمی‌توان به درستی قضاوت کرد که آیا خصوصیات شایع در مکتب معماری آذربایجان، اول در خود آذربایجان ظاهر گردید یا در آسیای صغیر؛ ولی کاملاً آشکار است که خصوصیتی که در دوره‌ی سلجوقیان در آذربایجان مرسوم بود، در دوره‌ی حملات اولیه‌ی مغول و در سال‌های بعد که وقفه در کار ساختمانی در ایران به وجود آمد، در نواحی مجاور، مانند ارمنستان و گرجستان، مورد استعمال واقع گردید؛ به طوری که وقتی در زمان «غازان‌خان» که فعالیت ساختمانی آغاز و مورد تشویق قرار گرفت، ساختمان‌های تازه‌ساز با اینبیه‌ی قدیمی که متجاوز از یک قرن پیش ساخته شده بودند، شباهت نزدیک داشتند (همان: ۹۹)؛ بنابراین فنون ساخت مساجد ستون‌دار چوبی در میان معماران آذربایجان حفظ شده و بعدها در دوره‌ی صفوی به اوج شکوفایی خود در ساخت مساجد و بارگاه پادشاهان می‌رسد.



### تأملی بر نمونه‌های متأثر از مساجد ستون‌دار چوبی آذربایجان

شاهان صفوی با تشکیل حکومت واحد و مقتدر شیعی و هم‌چنین توجه ویژه به هنر و معماری، زمینه را برای بسط و گسترش آن فراهم کردند. شاه‌طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق.) از تشییع به‌عنوان شالوده و یکی از پایه‌های حکومت خود استفاده کرد؛ وی علاوه بر حفظ مساجد بر بنای مساجد جدید نیز همت گماشت. مراغه نیز چون در آن دوره در ردیف اشهر شهرهای ایران قرار داشت، از این امر مستثنی نبوده و شاهد آبادانی و ساختمان مساجد جدیدی شد که از آن جمله می‌توان به مسجد «ملا معزالدین»، مسجد «سفید» و مسجد «مهرآباد» بناب اشاره نمود (محمدزاده، ۱۳۹۷: ۱۰۳). پیش‌تر اشاره شد که پیشینه‌ی فنون به‌کاررفته در ساخت مساجد

▲ تصویر ۱۶. بالا: برش طولی سرستون مقرنس چهل‌ستون اصفهان (Zander, 1968)؛ پایین: برش طولی سرستون مقرنس مسجد آذربایجان (خیری، ۱۳۸۵).

چوبی آذربایجان به دوران سلجوقی و ایلخانی بازمی‌گردد و با آغاز دوره‌ی صفوی ساخت آن‌ها رونق بیشتری پیدا می‌کند.

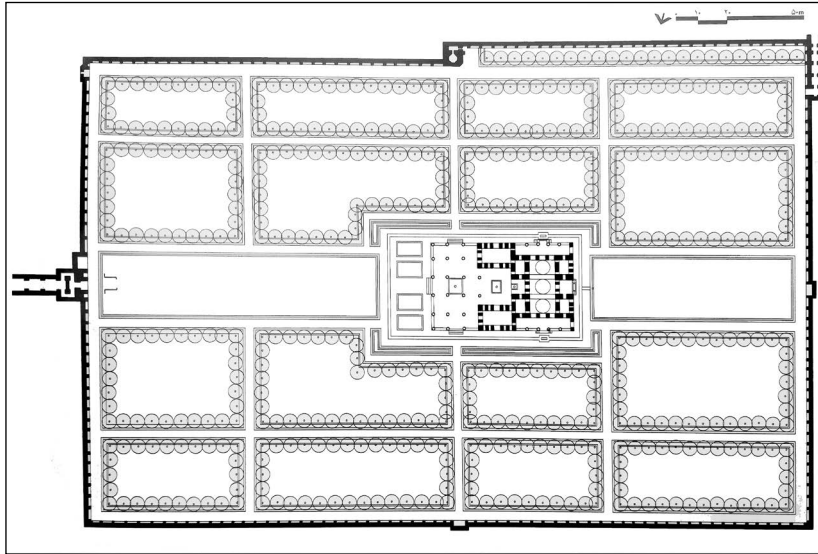
پس از هخامنشیان استفاده از تالار ستون‌دار در فرم کاخ‌های سلطنتی و تشریفاتی از رواج افتاد و همان‌طور که ذکر شد، مسلمانان از این عنصر در ساخت مساجد اولیه بهره بردند. شواهد چشم‌گیری از وجود فضای ستون‌دار در اقامتگاه‌های سلطنتی حاکمان مسلمان ایرانی پیش از سده‌ی هشتم هجری قمری وجود ندارد. تالارهای ستون‌دار برپاشده در اصفهان صفوی را می‌توان از اولین نشانه‌های ظهور و رواج دوباره‌ی استفاده از فضای ستون‌دار در ترکیب کاخ‌ها و سکونت‌گاه‌های سلطنتی حاکمان پس از سده‌ها به‌شمار آورد. شباهت سرستون‌های مقرنسی این تالارها با سرستون‌های چوبی شبستان‌های مساجد آذربایجان، نشان‌دهنده‌ی این نکته است که معماران دربار صفوی در مرحله‌ی اجرای ایده‌ی ساخت بارگاه ستون‌دار به سبک بارگاه شهریاران آرمانی، از تجربیات و فنون به‌کاررفته در ساخت شبستان‌های پُرستون بهره‌برده‌اند (سه‌دهی، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۵)، (تصاویر ۱۵ و ۱۶).

با در نظر گرفتن موارد مزبور بسیاری از صاحب‌نظران، خانه‌ها و کاخ‌های ستون‌دار صفوی موجود در شهرهای اصفهان، قزوین و شمال ایران و نیز مساجد ستون‌دار موجود در شهرهای بسطام، ترزجان یا نبادک یزد و هم‌چنین مسجد «پژده» ایبانه و رواق‌های عمارت شمس‌العماره‌ی تهران و کلاه‌فرنگی ستون‌دار مجموعه‌های مذهبی حضرت معصومه علیها السلام در قم و حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری و مجموعه‌ی شاه‌چراغ شیراز را نوه و نبیره‌ی یک‌صد سال بعد ستانده‌های چوبی آذربایجان به‌ویژه شهرستان‌های مراغه و بناب می‌دانند (خیری، ۱۳۸۵: ۴۹).

توصیفات مربوط به بارگاه‌های ستون‌دار حاکمان ایرانی و هندی که در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری قمری، ساخته شده‌اند بیانگر این نکته است که بیشتر ساختارهای ستون‌دار مذکور، نه به‌عنوان یک فضای کاملاً بسته؛ بلکه در قالب گونه‌ای ایوان، مشرف بر یک میدان یا محوطه‌ای باز و به‌منظور مهیا نمودن فضای سرپوشیده‌گشوده وسیع برای استقرار بارخواهان و درباریان، در مقابل ایوان محل جلوس فرمانروا، برافراشته شده‌اند (سه‌دهی، ۱۳۹۵: ۱۶۴)، (تصویر ۱۷).

بنابراین، تالار ستون‌دار در کاخ‌های سلطنتی در قالب ایوان ستون‌دار استفاده می‌شود. «پیرنیا» ایوان‌های ستون‌دار جلو ساختمان‌ها را از نظر شکل به دودسته‌ی «ستانوند» و «ستون‌آوند» تقسیم کرده است؛ به‌طوری‌که اگر سه‌طرف پوشش باز باشد، آن را ستاوند و اگر از سه‌طرف بسته و فقط قسمت جلو آن باز باشد، ستون‌آوند می‌گوید (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۱۵۲)؛ به‌عنوان مثال، در کاخ «عالی‌قاپو» اصفهان تنها شاهد استفاده از ستاوند و در کوشک «هشت‌بهشت» اصفهان، ستون‌آوند را در سه‌طرف بنا وجود دارد. ستاوند و ستون‌آوند، علاوه بر شکوه بخشیدن به کاخ‌ها، باعث ارتباط بیشتر فضای بسته و باز و اشراف کاخ بر میدان یا باغی که در آن واقع شده است، می‌شود.

جدول ۶، سیر تحول تالارهای ستون‌دار در معماری ایران را در دوره‌ی بعد از اسلام جمع‌بندی کرده است.



تصویر ۱۷. تالار ستون‌دار در قالب ستاوند و ستون‌آوند در کاخ چهل‌ستون اصفهان (طرح از: پاسکال و کست، ۱۸۶۷).

جدول ۶. سیر تحول تالارهای ستون‌دار بعد از اسلام (نگارندگان، ۱۳۹۸).

توضیحات	شماره از نمونه‌ها	ساخت‌مایه	کاربری	نحوه‌ی کاربرد	ساختارهای شکلی	عنوان							
- تعریف فضای معنوی مسجد در معماری داخلی با استفاده از تالار ستون‌دار - دو الگوی متمایز دهانه میان‌وار هم‌راستا با محراب و ردیف ستون در راستای محراب - تأکید اصلی معمار بر فضای معنوی در داخل مسجد با استفاده از شکوه و کثرت ستون‌ها و تزئینات سرستون‌ها و سقف.	- مساجد صدر اسلام (بصره) - پایه‌ستون سنگی - ملامعزالدین - ملارستم - مهرآباد	- مسجد مسکونی - ستون چوبی	- تالار ستوندار به‌عنوان شبستان			بعد از اسلام							
							- افزودن تالار ستوندار در قالب ایوان جهت افزایش شکوه کاخ‌ها و ارتباط و اشراف با باغ و فضای باز مستقر در آن	- پایه‌ستون سنگی - ستون چوبی	- کاخ و کوشک - مسکونی	- ستاوند و ستون‌آوند			قرن هشتم تا نازدهم هجری قمری

## بحث و تحلیل

مساجد چوبی آذربایجان، نمایانگر سبک خاصی در میان مساجد ایرانی است. این مساجد دارای بدعت و خلاقیت در طراحی و هم‌گونی و انس با طبیعت و شرایط اقلیمی و فرهنگی جامعه بوده است و با این‌که در اقلیم سرد و کوهستانی ساخته شده‌اند، می‌توان آن‌ها را درون‌گرا دانست؛ زیرا معمار با نهایت هنرمندی علاوه بر پاسخ به مسئله‌ی اقلیم و مکان تجمع جهت انجام مراسم دینی، به درون فضا اهمیت می‌دهد و با استفاده از شکوه و کثرت ستون‌ها و تزئینات نقاشی بر سرستون‌های مقرنس و تیر و پردوها و صندوقچه‌های چوبی سقف، فضایی بی‌انتها را خلق کرده و مانع از یکنواختی و رعب‌انگیز بودن فضا به دلیل ارتفاع نسبتاً بلند سقف می‌شود و شاید به این طریق می‌خواهد تا داستان وحدت در کثرت، و کثرت در وحدت معماری اسلامی را یادآوری کند. این فضای شکوهمند، توجه پادشاهان را نیز به خود جلب می‌کند و همان‌طور که بیان شد، به‌طور خاص در کاخ‌های سلطنتی دوره‌ی صفوی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فنون مورد استفاده در مساجد چوبی آذربایجان در احداث کاخ‌های صفوی به‌کار گرفته می‌شود؛ اما جلوه و شکوه تالارهای ستون‌دار در کاخ‌های سلطنتی میل به برون‌گرایی دارد و بیشتر به‌عنوان واسط میان فضای باز و بسته و در ساختار ستاوند و ستون‌آوند عمل می‌کند؛ همین امر، در ساختمان‌های بعد از دوره‌ی صفوی نیز اتفاق می‌افتد و در بناهایی چون: شاه‌چراغ، شمس‌العماره و... به‌صورت ایوان ستون‌دار، به‌نمایش گذاشته می‌شود.

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده‌ی معماری ایران مورد بررسی قرار گرفت. طبق مطالعات انجام‌گرفته، از عوامل مهم ساخت تالار ستون‌دار، می‌توان به اقلیم و عامل فرهنگی اجتماعی و سیاسی آن اشاره کرد. خاستگاه تالارهای ستون‌دار چوبی، نواحی سرد و کوهستانی آذربایجان و تپه حسنلو معرفی شد؛ جایی‌که به دلایل متعددی چون فراوانی منابع طبیعی، نیاز اندک به زمان، باصرفه بودن و... شکل‌گرفته است. فراوانی چوب در این منطقه، نقش مهمی در به‌پا داشتن ستون و سقف این تالارها داشته است و شاید بتوان گفت خطراتی مثل آتش‌سوزی و فرسودگی و ماندگاری کم آن، باعث شده تا نتوان آثار به‌جامانده را در همه‌ی ادوار تاریخی یافت.

تالارهای ستون‌دار جهت نیاز به فضای بزرگ اجتماعی برای انجام مراسم آئینی، رسمی و فرهنگی در معماری قبل و بعد از اسلام به‌کاربرده شده‌اند. دو الگوی متمایز در نحوه‌ی استقرار ستون‌های تالار، در معماری قبل از اسلام وجود دارد. تقویت محور میانی منتهی به آتشدان و تخت و دوم، تأکید بر کثرت ستون‌ها و ساختار فضایی بی‌انتها. هخامنشیان از الگوی سازماندهی دوم، با ترکیب تالار و ایوان ستون‌دار در جهت تأکید بر وسعت قلمرو و نمایش قدرت، در ساختار بارعام و تشریفات استفاده نمودند.

پس از بسط قلمرو اسلام در ایران و کشورهای مجاور، این عنصر جهت ساخت

مسجد مورد استفاده قرار گرفت. ساخت مساجد ستون دار چوبی در کشورهای آسیای مرکزی، کشمیر، شمال غربی ایران (آذربایجان) و آناتولی بعد از حمله‌ی مغول مشاهده شده است. تاریخ دقیق ساخت مساجد چوبی آذربایجان که این مقاله در پی شفاف سازی آن بود، به دلیل کمبود کاوش‌های باستان‌شناسی در آن‌ها مشخص نگردیده است و تاریخی که غالباً برای آن‌ها در نظر گرفته، دوره‌ی صفوی است؛ اما با توجه به پیشینه‌ی ساخت تالار ستون دار قبل از اسلام در این خطه و هم‌چنین ساخت مساجد با ستون‌های چوبی در آناتولی بعد از حمله‌ی مغول که مشخصه‌ی معماری عهد سلجوقی بوده و شباهت سرستون‌های مقرنسی مساجد آذربایجان با آن‌ها، به اضافه سبک تزئینات آجری طاق‌نماها در جداره‌ی بیرونی مساجد و وجود آجرهای لعاب‌دار فیروزه‌ای‌رنگ در انتهای قوس جناغی که در دوره‌ی ایلخانی متداول بوده است و حفظ فنون معماری توسط معماران ایرانی که در حمله‌ی مغول، به آسیای صغیر گریخته بودند؛ می‌توان احتمال پیشینه‌ی ساخت این مساجد در دوره‌های ایلخانی، سلجوقی و حتی قبل‌تر از آن، در شهرهای آذربایجان، به ویژه مراغه که از شهرهای مهم و پایتخت ایلخانان بوده است را مطرح نمود که این الگو با آغاز دولت صفوی رونق دوچندان پیدا می‌کند.

## پی‌نوشت

۱. اصطلاح «تالار چهل ستون» (Hypostyle Hall) چون ستون فراوان دارند به این نام نامیده شده است و در اصل چهل ستون ندارند؛ در این مقاله تالار پُرس‌تونی که پوشش مسقف تخت دارد، منظور است.
۲. به اعتقاد «هیلا ری گاپنیک»، توسعه‌ی تالارهای ستون‌دار از نمونه‌های ابتدایی آن در حسنلو تا نمونه‌های پیشرفته در تخت جمشید، روندی خطی و در عین حال پیچیده بوده که در گذر زمان با برخورداری از دستاوردهای فناوری، فرهنگی و حتی اجتماعی صورت گرفته است (Gopnik, 2010:196).
۳. «آبادانا» به طور عام معادل «تالار ستون‌دار»ی دانسته شده که عدد ستون‌های آن از تعداد مشخصی تجاوز کند (اومستد، ۱۳۸۳: ۲۲۱). پیشینه‌ی آبادانا به پیش از دوره‌ی هخامنشی، در دوره‌ی ماد در آثاری چون نوشیجان تپه، گودین تپه و باباجان تپه نسبت داده شده است.
۴. «تا قبل از ورود اسلام به ایران، اصولاً بخش عمده‌ی آبادانی و مدنیت ایران در غرب بود. تیسفون و مناطق وسیع اطراف آن که مرکز امپراتوری وسیع ساسانی به شمار می‌آمدند در منطقه‌ی شمال بغداد قرار داشت... از بیش از یک صد شهر عمده‌ی ساسانی که فهرست شده است، هشتاد و دو شهر در غرب واقع بوده‌اند.» برگرفته از: یاسورث، کیلفورد ادموند، (۱۳۷۲)، تاریخ غزنویان. ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۱۴۷.
۵. «بهقبادات» شکارگاه و گردشگاه شاهان و جایگاه کاخ مشهور «خورنق» تا سده‌ی سوم هجری قمری بود (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۹).
۶. در میان مساجد موجود، مسجد ملا رستم مراغه دارای سردر و ورودی شاخص، همراه با مقرنس و گره‌چینی گچی است و هم‌چنین مسجد اسماعیل بیگ بناب ایوان ستون‌دار دارد؛ مناره‌ی مسجد مهرآباد بناب نیز الحاقی است.
۷. در سه قسمت، یکی روی کتیبه‌ای از سنگ مرمر به الحاقات و مرمت مسجد در عهد ناصری توسط «حاج علی خان مقدم مراغه‌ای (حاجب الدوله)» اشاره می‌کند و دیگر دو پرده با عبارات «یا قاضی الحاجات ۱۲۶۲» و «۱۲۶۳»، مبین تاریخ مرمت و بازسازی مسجد است.
۸. برای تعیین ساخت مسجد می‌بایست به کتیبه‌های موجود بر پرده‌ها و تنها کتیبه‌ی نمای بیرونی مسجد استناد نمود. روی یکی از پرده‌های سقف تاریخ ۷۱۱ ه.ق. آمده است. روی کتیبه‌ای بر فراز پنجره‌ای رو به صحن بر کاشی دایره‌ای شکلی نیز نوشته شده است: «هو الحمد لله رب العالمین، سنه ۱۳۵: ۱» که به دوره‌ی حکومت شاه طهماسب صفوی اشاره دارد.
۹. به موجب کتیبه‌ی مرمری موجود در دیوار جنوبی، مسجد ملا معزالدین در دوره‌ی شاه طهماسب اول در تاریخ ۹۷۶ ه.ق. بازسازی شده است.

## کتابنامه

- آپم پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران. ترجمه‌ی باقر



- آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد ۳: معماری دوران اسلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۷، چالش میان فارسی و عربی سده‌های نخست. تهران: نشر نی.
- اومستد، آلبرت تن‌آیک، ۱۳۸۳، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه‌ی محمد مقدم، تهران: علمی و فرهنگی.
- بلر، شیلا؛ بلوم، جان‌اتان، ۱۳۸۱، هنر و معماری اسلامی. ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: سمت.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۹۲، سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین و گردآوری غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۹۱، معماری ایرانی. تألیف و تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- حجت، عیسی؛ ملکی، مهدی، ۱۳۹۱، «هم‌گرایی سه‌گونه‌ی بنیادین هندسی و پیدایش هندسه‌ی مسجد ایرانی»، نشریه‌ی هنرهای زیبا. دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۴، صص: ۱۶-۵.
- خیری، سیروس، ۱۳۸۵، معماری و تزئینات ستاوندهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان. تبریز: انتشارات مهد آزادی.
- دهقان، ناهید، ۱۳۸۹، نگاره‌های چوبی مساجد آذربایجان شرقی. تهران: فرهنگستان هنر.
- رضائی‌نیا، عباسعلی، ۱۳۹۶، «صورت ایوان در معماری ایرانی، از آغاز تا سده‌های نخست اسلامی». دو فصلنامه‌ی مطالعات معماری ایران، شماره‌ی ۱۱، صص: ۱۴۴-۱۲۵.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۹۱، «زیبایی‌های معماری ایران کاخ چهل‌ستون». فصلنامه‌ی معماری و فرهنگ، شماره‌ی ۴۹، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شرودر، اریک، ۱۳۸۷، «آثار یادمانی برج‌مانده از دوره‌ی نخست»، صص: ۱۱۴۵-۱۱۷۹ و «دوره‌ی سلجوقی»، صص: ۱۱۹۳-۱۲۵۰، در: آپم پوپ، آرتور؛ اکرم‌ن، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، ترجمه‌ی باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد ۳: معماری دوران اسلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کیانی، محمدیوسف، ۱۳۹۳، تاریخ هنر معماری ایران در دوره‌ی اسلامی. تهران: سمت.
- گالدیری، اوژن، (۲۵۳۵ م. [۱۳۵۵ ه.ش.])، «اطلاعاتی راجع به گنبد نظام الملک در مسجد جامع اصفهان». فرهنگ معماری ایران، شماره‌ی ۲ و ۳، بهار ۲۵۳۵.
- محمدزاده، اصغر، ۱۳۹۷، تاریخ دارالملک مراغه. تهران: نشر اوحدی.
- محمدی‌ملایری، محمد، ۱۳۷۹، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. جلدهای ۲ و ۳، تهران: توس.
- ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۴، «چهل‌ستون مسجد ملارستم مراغه (اثری شکوهمند

از معماری چوبی ایران در قرن دهم هجری)». بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی ۶۱، صص: ۱۱-۳۴.

- ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۵، «چهل‌ستون‌های پرشکوه بناب (شاهکاری از معماری چوبی آغاز دوران صفویه در آذربایجان)». هنر و مردم، شماره‌ی ۱۶۲، صص: ۹-۵.  
- ویلیبر، دونالد، ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان. ترجمه‌ی عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- هیلن‌برند، رابرت، ۱۳۸۷، معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی. باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.

- آزاد، میترا، ۱۳۸۴، «بررسی تحول بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی». رساله‌ی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (منتشر نشده).

- صفری، ساناز، ۱۳۹۳، «بررسی سیر تحول تالارهای ستون‌دار در هزاره دوم و اول قبل از میلاد در ایران، قفقاز و آناتولی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده).

- سه‌دهی، یاسر، ۱۳۹۵، «بازشناسی و تحلیل الگوهای معماری تالارهای شاهان صفوی در شهر اصفهان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده).

- Babaie, S., 1994, *Safavid Palaces at Isfahan: Continuity and Changes (1590-1666)*. New York University.

- Babaie, S., 2008, *Isfahan and Its Palaces. Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality in Early Modern Iran*. Edinburgh University Press.

- Coste, P., 1867, *Monuments Modernes de la Perse*. Paris, Morel.

- Dyson, R. H., 1989, "The Iron Age Architecture of Hasanlu: An Essay", *Expedition*, vol. 31, No. 2-3, Pp. 107-127.

- Dyson, R. H., 2003, "Hasanlu Teppe i. The Site". *Encyclopaedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/hasanlu-teppe-i>, (accessed 03/15/2019).

- Gopnik, H., 2010, "Why Columned Halls?". In: *The world of Achaemenid Persia*, Edited by John Curtis and St John Simpson, Pp. 195-206.

- Kleiss, W., 2008, "Urartu in Iran", *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/urartu-in-iran>(accessed 03/15/2019).

- Koch, E., 1994, "Diwan-Ic Amm and Chihil Sutun: The Audience Halls of Shah Jahan", In: *Muqarnas Online*, vol. 11, Yale University Press, Pp. 143-165.

- Koch, E., 2011, "The mughal audience hall: a solomonic revival of persepolis in the form of a mosque". In: *Royal Courts in Dynastic States and Empires*, Brill, Pp. 313-338
- Koch, E., 2013, "The Wooden Audience Halls of Shah Jahan: Sources and Reconstruction", In: *Muqarnas Online*, Brill, Vol. 30, Pp. 351-389.
- Young, T. C. Jr., 1966, "Thoughts on the Architecture of Hasanlu IV". *Iranica Antiqua*, Vol. 6, Pp. 48-71.
- Young, T. C. Jr., 1994, "Architectural Developments in Iron Age Western Iran". *Bulletin of the Canadian Society for Mesopotamian Studies*, Vol. 27, Pp. 25-32.
- Zander, G., 1968, *Travaux de Restauration de Monuments Historiques En Iran*. IsMEO.
- Hayes, K., 2010, "The wooden hypostyle mosques of Anatolia mosque- and state-building under Mongol suzerainty". Graduate school Thesis, Middle East technical university.